

مقدمه..... ۳

تبلیغات..... ۸-۱۱

مقالات..... ۱۲-۴۱

آثار شاعران..... ۴۲-۴۵

مصاحبه..... ۴۶-۶۲



دمیتری خواراستوفسکی

با درود و عرض ادب خدمت شما دوستان و همراهای عزیز و همیشگی مجله آنی، در سالی که گذشت با تمام فراز و نشیب هایش با وجود دلگرمی شما عزیزان مجله آنی توانست به راهش خودش ادامه بدهد و با حضور پرشور شما تصمیم بر ایجاد برنامه های جدید شدیم؛ امیدوارم که در این نوروز خجسته غم از دلهایتان زدوده شود و آسمان دلتان آبی باشد.

بهار آمد و جهان شد آراسته به رنگین کمان شکوفه ها، نوروز باستانی، یادگار کهن، بر جان و دل ما می نشیند به زیبایی یک رویا.

نسیم بهاری، پیام آور شادی و امید، در این جشن باستانی، دلها را به هم پیوند می دهد. سال نو مبارک باد! امید که این سال، سالی سرشار از پیروزی، شادی و کامروایی برای شما و خانواده تان باشد.

نوروز، نماد جاودان نو شدن است
تجدید جوانی جهان کهن است
زینها همه خوبتر که هر نو شدنش
یادآور نام پاک ایران من است

سال نو مبارک



*Nowruz Mubarak! Wishing
you a happy and prosperous
New Year filled with joy,
love, and peace.*

چاپ هشتم «هزار سال شعر فارسی»، مناسب کودکان و نوجوانان منتشر شد



چاپ هشتم کتاب «هزار سال شعر فارسی» توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان راهی بازار نشر شد.

به گزارش خبرنگار مهر، کتاب «هزار سال شعر فارسی» که اواسط دهه ۱۳۶۰ به کوشش جعفر ابراهیمی (شاهد)، احمد رضا احمدی، اسدالله شعبانی و سیروس طاهباز تدوین و منتشر شده بود، پس از حدود ۴۰ سال توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بازنشر شد.

هزار سال شعر فارسی در چاپ هشتم خود با شمارگان ۲۵۰۰ نسخه به بازار نشر آمده است. این کتاب در چاپ‌های قبلی خود ۷۰ هزار نسخه فروش داشته است. این کتاب با هدف آشناسازی کودکان و نوجوانان با تاریخ و پیشینه شعر و ادبیات فارسی تدوین و منتشر شده است و به همین دلیل زبان و نثر کتاب، مناسب با این رده سنی نوشته است. در مقدمه کتاب نوشته شده است؛

خواندن بعضی از آثار گذشتگان مشکل است. این آثار واژه‌ها و تعبیرات دور از ذهن و دانش امروزی دارند. اما کم نیستند آثاری که خواندن و فهم‌شان نه تنها بی‌هیچ اشکالی میسر است، بلکه هنوز هم سرشار از حس و زیبایی‌اند و دل خواننده را به لرزه می‌افکنند. در طول این هزار و صد سال، هزارها شاعر در این منطقه‌ی جغرافیایی زیسته‌اند و به این زبان شعر سروده‌اند. بسیاری از آثار آنان امروزه به صورت کتاب چاپ شده است و بسیاری دیگر هنوز به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های گوشه و کنار جهان پراکنده‌اند.

نویسنده در ادامه به ضرورت تدوین چنین گزیده‌شعرهایی اشاره کرده و ادامه داده است؛

عمر یک انسان عادی، به خصوص نوجوان امروزی، کافی برای خواندن و شناختن همه‌ی این آثار نیست. ضرورتی نیز در این کار نیست، چرا که همه‌ی این آثار ارزش خواندن و به چاپ رسیدن را ندارند، اما بسیاری از آثار به دلیل استواری فکر و والایی احساس، امروزه روز هم قابل ارزش‌اند و خواندن آن‌ها نه تنها لذت‌بخش است، ضروری نیز هست و از همین روست که از دیرباز مجموعه‌های مختلفی از آثار منتخب گذشتگان تهیه شده است و می‌شود. مجموعه‌ی ما هم یکی از این مجموعه‌هاست با این تفاوت که در آن نه ذوق و سلیقه و انتخاب یک نفر، بل چهار نفر دخالت داشته است که از این میان سه تن، خود شاعرند.



رودکی، شهید بلخی، کسائی مروزی، رابعه قزداري، فردوسی، ابوسعید ابوالخیر از قرن چهارم؛ فرخی سیستانی، منوچهری دامغانی، ناصر خسرو، قطران تبریزی، مسعود سعد سلمان، ازرقی هروی، خیام، سنایی، قوامی رازی و باباطاهر عریان از قرن پنجم؛ انوری، جمال‌الدین اصفهانی، ظهیر فاریابی، خاقانی شروانی، نظامی گنجوی، عطار نیشابوری و عبدالواسع جبلی از قرن ششم؛ مولوی بلخی، سعدی شیرازی، بابا افضل کاشانی، عراقی و اوحدی مراغه‌ای از قرن هفتم؛ حافظ شیرازی، خواجهی کرمانی، عبید زاکانی و ابن‌یمین فریومدی از قرن هشتم؛ جامی و بابا‌افغانی شیرازی از قرن نهم؛ وحشی بافقی، محتشم کاشانی و عرفی شیرازی از قرن دهم؛ طالب آملی، کلیم کاشانی و صائب تبریزی از قرن یازدهم؛ حزین لاهیجی و هاتف اصفهانی از قرن دوازدهم؛ قآنی شیرازی، فروغی بسطامی و یغمای جندقی از قرن سیزدهم؛ و ایرج میرزا، عارف قزوینی، فرخی یزدی، پروین اعتصامی، محمدتقی بهار، دهخدا، نیما یوشیج و شهریار از قرن چهاردم شاعرانی هستند که در این کتاب به کودکان و نوجوانان معرفی شده و درباره هر کدام از آنها توضیحاتی مختصر ارائه شده است.

کتاب «هزار سال شعر فارسی» در ۴۰۷ صفحه و با قیمت ۲۵۰ هزار تومان برای رده سنی مثبت ۱۵ سال منتشر شده است.



کد خبر ۶۴۰۴۹۹۵

طراح وبسایت: داوود محمد کیا

@Esher.official

دسته بندی موضوعی: هنر و ادبیات
دوره انتشار: ۲ هفته نامه
مدیر مسئول: آنیتا-آرزومانیان
شماره: پنجاه و هشتم

A N I



پست الکترونیکی:

www.ani.arzoomanian@yahoo.com

تلگرام:

t.me/aniletters

اینستاگرام:

[@Anita_Arzoomanian](https://www.instagram.com/Anita_Arzoomanian)

وب سایت:

www.aniletters.com

www.anipoetry.ir



آلبرت آرستاگس یانس

قلم زنی دستی سبک تبریزی روی فلزات
گرانبها، ساخت و تعمیر انواع ظروف و
زیور آلات.
جهت سفارش با شماره تلفن زیر تماس
حاصل فرمایید.

۰۹۱۹۰۲۶۶۵۵۲

مهناز قاسم پور

ساخت صندل های دست ساز

t.me/sandalmahnaz

خرید، فروش و تعمیرات تخصصی لپ
تاپ و قطعات.
شماره تماس:

۰۹۱۰۱۴۴۹۹۶۶

قلم زنی و نقره سازی ادوارد

ساخت انواع منسوجات نقره جهت سفارش
با شماره تلفن های زیر تماس حاصل
فرمایید.

۶۶۷۱۰۰۳۹

۰۹۱۹۵۰۸۸۵۳۶

دکتر بهزاد هوشمند

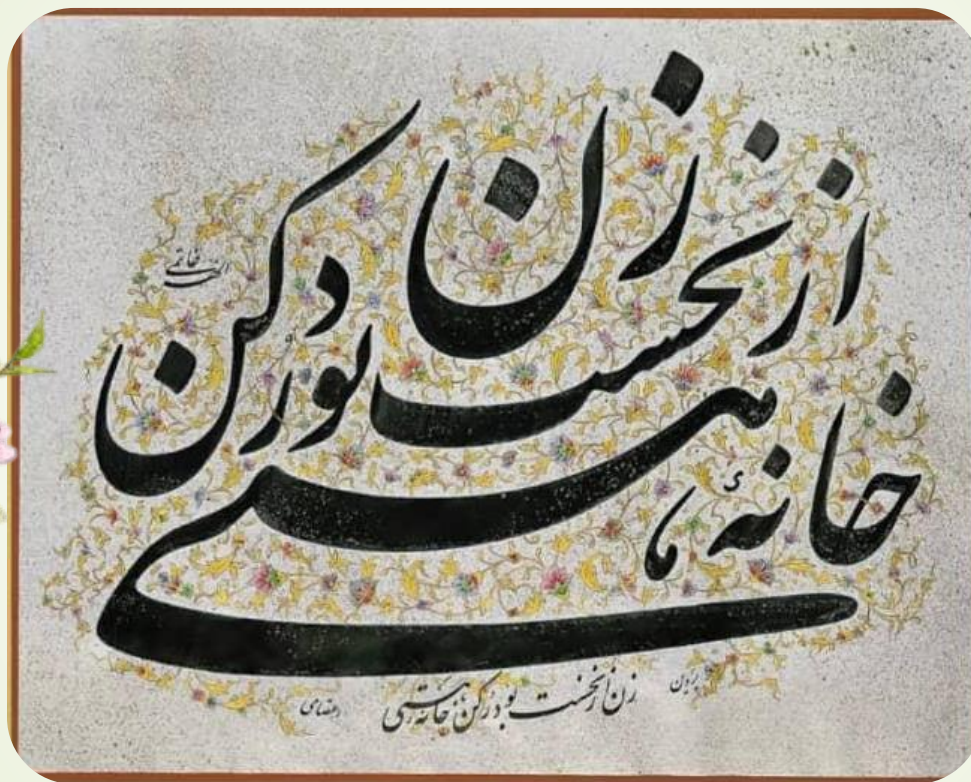
متخصص و جراح بیماری های لته و
ایمپلنت

۲۲۰۱۹۳۶۶

۲۲۰۱۹۰۷۳



خطاط: علی ملک

[Ali-malek-art](https://www.instagram.com/Ali-malek-art)

Լեզուսամ
Հիմնական
Պատրաստություն

Հիմնական

10-11

Մաթեմատիկա

10-18 տարեկան երեխաների համար

Տրմ 6 Երմ:
Տրմ մեմատի
Տրմ մեմատի
Տրմ մեմատի

Տարեմաթիկայի հաշվարկները ավելի հմուտ և արագ կատարելու նպատակով

Ահմմմ րմմմ:
Տրմ մեմատի
Տրմ մեմատի
Տրմ մեմատի

Լեզուսամ
Հիմնական
Պատրաստություն

Հիմնական

4-12

Մաթեմատիկա

4-12 տարեկան երեխաների համար

Տրմ մեմատի Տրմ մեմատի Տրմ մեմատի

Մաթեմատիկայի հաշվարկները ավելի հմուտ և արագ կատարելու նպատակով

Ահմմմ րմմմ:
Տրմ մեմատի
Տրմ մեմատի
Տրմ մեմատի



- Basic: Գործնական խնդիրներ և թվեր
- Գլմմ: Գործնական խնդիրներ և թվեր
- Գլմմ: Գործնական խնդիրներ և թվեր
- Գլմմ: Գործնական խնդիրներ և թվեր
- Գլմմ: Գործնական խնդիրներ և թվեր
- Գլմմ: Գործնական խնդիրներ և թվեր
- Գլմմ: Գործնական խնդիրներ և թվեր

Ահմմմ րմմմ:
Տրմ մեմատի
Տրմ մեմատի
Տրմ մեմատի



راه های ارتباطی با مجله ادبی- آنی
برای ارسال آثار خود.

واتسآپ و تلگرام ۰۹۲۲۳۷۸۹۱۸۰

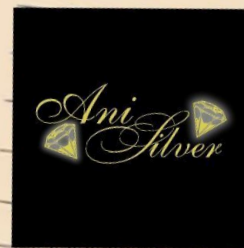
[@anita_arzoomanian](https://www.instagram.com/anita_arzoomanian)

[@aniarzoomanian](https://www.instagram.com/aniarzoomanian)

دایرکت

آنیتا آرزومانیان

Follow



آنی
سیلور

برای سفارش با شماره تلفن زیر

تماس حاصل فرمایید. ۰۹۱۹۵۰۸۸۵۳۶

ویا به دایرکت پیام دهید [@ann.isilver](https://www.instagram.com/ann.isilver)

بسمه تعالی

بررسی ابهام در شعر حافظ بر مبنای دسته بندی ویلیام امپسون

نویسنده: دکتر محمد فلاحی نسب



چکیده

اگر چه در گذشته ابهام یکی از معایب شعر به شمار می رفته و آن را منحل فصاحت، قلمداد می کرده اند، اما در روزگار معاصر، در نقدنو به عنوان عنصری زیباشناختی مطرح شد و مورد توجه قرار گرفت. این جستار ادبی، دیدگاه های متنوع و متفاوت در خصوص ابهام را بررسی کرد و فواید و معایب آن را مورد تحلیل قرار داد و اهداف آن را برشمرد. آنگاه، بر اساس نظریات نقد نو، ابهام در شعر حافظ را بررسی نمود. از دستاوردهای این تحقیق ادبی، تقسیم شکل ها و شگرد های ابهام در شعر حافظ در یک رده بندی دوگانه با زیرمجموعه های متفاوت است. این جستار ادبی، ثابت کرد که عمده ترین دلیل ساختار مبهم شعر حافظ، پیچیدگی اندیشه شاعر است و پس از آن، سازه های زبانی نقش دارند. دستاورد متمایز این جستار ادبی بیان چگونگی ابهام در شعر حافظ است، مسئله ای که در نظرگاه دیگر ساختگرایان، تنها به چیستی و چرایی آن توجه شده بود.

کلید واژه: حافظ؛ ابهام؛ ساخت گرای، نقد نو

مکتب نقد نو، یکی از مکاتب ساخت گراست که آن را با نام جان کرورنسم آمریکایی می‌شناسند. این مکتب با سایر مکاتب ساخت گرا در تضاد است. و برخلاف آنها به معنا اهمیت می‌دهد و به دنبال ارتباط در میان سازه‌های زبانی و معناست. و نقش ساختارهای زبانی را در آفرینش معنا بررسی می‌کند.

«عنوان نقد نو نخستین بار در کتاب نقد نو (۱۹۴۲) نوشته جان کرورنسم که حاوی تحلیل شخصی وی از (افکار و آثار) چند نظریه پرداز و منتقد معاصرش بود به کار رفت و به منظور توصیف این رهیافت ادبی رواج یافت. رنسم، خود، شاعری اهل جنوب آمریکا بود و منتقد و نیز یکی از نخستین مدافعان این جنبش نوپا». (برسler، ۱۳۹۳: ۷۷)

اصول عمده این مکتب را می‌توان خوانش دقیق، نقد عملی، بدعت دگرنویسی، وحدت نظام مند، انسجام، هماهنگی، تنش، آیرونی، ابهام و درخشش دانست. به طور کلی، مکتب نقد نو، به دنبال چرایی پدیده‌ها نیست، بلکه در این مکتب، چگونگی ملاک است. چرا شعر حافظ ابهام دارد مهم نیست، بلکه مهم این است که این ابهام، چگونه به وجود می‌آید و عوامل ایجاد این ابهام کدام اند.

اگر چه ابهام در سال‌های اخیر، وارد حوزه نقد ادبی شده است، رویکرد‌های متفاوت به آن در طول زمان‌های گذشته، فراوان بوده است «در کتب بلاغی کهن، ابهام نه تنها هنر نیست، بلکه محل فصاحت و بلاغت است و این که چند معنایی بودن از مختصات زبان ادبی است و لذا ابهام جنبه مثبت دارد و از مباحث جدید بلاغی است»، (شمیسا



اما آنچه وجه مشترک همه تعاریف ابهام است، در این نکته خلاصه می شود که منتقدین، ابهام را نوعی گریز از هارمونی موجود در زبان می دانند و معتقدند: «در هنر ابهام، چند معنایی، تعبیر پذیری و گریز از تخیل منطقی، اساس کار است»، (موحد، ۱۳۸۵: ۶۵)

برخی هم؛ ابهام را به گونه ای تعریف می کنند که گویی آن را با ابهام یکی می دانند، به عنوان مثال آقای محبتی گفته است: «ابهام آن است که عبارتی را بتوان دو گونه خواند، به صورتی که با هر نوع خواندن، یک معنای تازه داشته باشد»، (محبتی، ۱۳۸۰: ۱۲۸)

حضور ابهام در شعر، سبب می شود، ذهن مخاطب وادار به فعالیت شود و برای رفع ابهام تلاش کند، این تلاش وقتی ابهام شعر را رمزگشایی می کند؛ در خواننده نوعی التذاذ ادبی ایجاد می کند که برای او، مسرت بخش است. «یعنی به همان اندازه که ظرفیت احساسی و مفهومی اثر هنری، مثلاً شعر، وسیع تر و ابهام اجزاء آن بیشتر باشد، دامنه تخیل و احساس خواننده و شنونده پهناورتر و ارزش و جاذبیت و تاثیر شعر عمیق تر خواهد بود.» (مرتضوی، ۱۳۸۸: ۵۱۲)

دوگانگی حاصل از ابهام، ساختار معماگونه ای به شعر می دهد که خواننده را در صدد حل آن بر می انگیزد و با حل آن به لذت هنری می رساند.

«در ابهام احتمال دو معنی متضاد یا مختلف مثل مدح و ذم وجود دارد، به طوری که از یکدیگر قابل تمیز نباشند، از این رو قدما آن را ذووجهین و محتمل الضدین هم گفته اند» (داد، ۱۳۹۰: ۱۴)

اصولاً، ادبیات در تمام جهان، چند لایه است و هسته مرکزی آن در دسترس نیست، شاید یکی از دلایلی این باشد که فضای حاکم بر جوامع از نوعی اختناق رنج می برد و برای همین منظور، شاعران برای در امان بودن از فضای سیاسی موجود، در لایه های استعاره و ابهام و کنایه و .. پنهان می شوند و این حال و هوا سبب نوعی ادبیات بسیار مدرن می شود



که شاخصه اصلی آن، ابهام است. ابهام دارای دسته بندی های فراوان و گوناگونی است و نظریه پردازان ادبی دسته بندی های گوناگونی از آن کرده اند، اما علمی ترین دسته بندی در این زمینه در کتاب هفت نوع ابهام (۱۹۳۰) اثر ویلیام امپسون است. چرا که با چاپ این کتاب اصطلاح ابهام به نقد ادبی راه پیدا می کند. دسته بندی امپسون برای ابهام به قرار زیر است.

- ۱- وقتی بتوان کلمه یا عبارتی را در آن واحد به چند معنی تعبیر کرد
 - ۲- وقتی یک کلمه در بردارنده دو یا چند معنی باشد
 - ۳- وقتی دو معنی مختلف به گونه ای در یک کلمه یا عبارت جمع آمده باشند که بیانگر ابهام ذهنی نویسنده باشد.
 - ۴- ابهام کلامی که در نوشته وجود داشته باشد که نویسنده یا شاعر در هنگام نوشتن به آن پی برده باشد.
 - ۵- وقتی تفسیر کلامی که متناقض است بر عهده خواننده گذاشته شود.
 - ۶- تناقض و تضادی آشکار که حاکی از عدم اطلاع نویسنده نسبت به مطلبی که می نویسد.
 - ۷- ابهام در ساختمان دستوری کلمه یا دو پهلویی کلام»، (داد، ۱۳۹۰: ۱۴)
- رادفر در کتاب فرهنگی بلاغی- ادبی، ابهام را این گونه تقسیم بندی می کند.
- «ابهام توکید / ابهام تصنعی / ابهام جدید شعری ابهام حافظانه / ابهام متن / ابهام شاعرانه و» (رادفر، ۱۳۶۸: ۷۴)



در کتاب فرهنگ اصطلاحات ادبی، ابهام به اشکال زیر دیده می شود.
 «ابهام تأکید، ابهام مکث و ابهام اعراب.» (شریعت: ۱۳۷۰)

با وجود دسته بندی های متنوع در خصوص ابهام این پژوهش بر مبنای نگرش نظریه پردازان نقد نو عمل خواهد کرد و دسته بندی های دیگر را مورد نظر قرار نمی دهد چرا که ممکن است از حال و هوای خط سیر نظریه خارج شود.

ابهام در هنر، نوعی خاکریز برای کند کردن شتاب بدون تأمل خواننده است. هنر با ایجاد ابهام سرعت گذر از کنار عناصر هنری را، کند می کند تا مخاطب در خلال این حرکت کند و آرام به حقیقت هنر دست پیدا کند. «شعر یا هر نوع دیگر ادبی و هنری سر راه مخاطب خود مانع می گذارد، برخلاف برخی نظریات، مفاهیم را آسان و قابل دسترس نمی کند.» (نفیسی، ۱۳۶۸: ۳۴)

از طرفی گاهی شاعر برای تجربه یک دنیای جدید، یا دست پیدا کردن به یک ذهن و زبان جدید در سازه های زبان، چالشی ایجاد می کند که زمینه ابهام را فراهم می نماید.
 «گاه نیز چیرگی پنجه هجوم سازمان یافته تمایلات ویران کننده ای است که شاعر، در حوزه رایج شعر، از خود نشان می دهد.» (بابا چاهی، ۱۳۷۱: ۶۳).

اگر این چالش جدید و هجوم سازمان یافته، در مسیر تعالی بخشیدن به هنر باشد، شاعر توانسته است، از مرزهای آفرینش هنری عبور کند و دنیای جدیدی خلق کند، اما اگر رنجش خاطر روحانی به بار بیاورد، شعری بی شناسنامه متولد می شود که پیش از شاعرش می میرد. کارهای عمیق و ژرف می مانند و «کارهای با عمق اساساً ابهام انگیز هستند، این ابهام در همه جا-وقتی که عمیق می بینیم-وجود دارد؛ در همه روزنه های زندگی، مثل مه که در جنگل پخش شده است» (نیما یوشیج، ۱۳۶۳: ۱۳۷)

تابه حال، در خصوص ابهام در شعر حافظ، به شکل جامع و مانع کاری انجام نشده و به این صنعت بدیعی که می تواند به عنوان یکی از شاخصه های برتر شعر حافظ باشد تا به حال پرداخته نشده است.

هدف این جستار ادبی این است که با یک تقسیم بندی از انواع ابهام در ساختار شعر حافظ، به شناخت عوامل ابهام زا، در ساخت شعر او پی ببرد و از این طریق شکل مواجهه با پیچش شعر حافظ را برای مخاطبانش عمیق تر و فنی تر جلوه دهد و به این پرسش پاسخ بدهد که چه عواملی در شعر حافظ ایجاد ابهام می کنند و عمده ابهام در شعر او، از چه عناصری ایجاد می شود و چرا حافظ، عامدانه و رندانه، از ابهام در شعر خود استقبال می کند و نقش ابهام در هنرمندانه تر شدن شعر، بر چه مبنایی می باشد. فرضیه های این جستار ادبی از این قرار هستند. ۱- ابهام در شعر حافظ عامدانه و رندانه است.

۲- دلیل اصلی پیچش و ابهام در شعر حافظ؛ پیچیدگی فکرو دامنۀ وسیع علوم و معارفی است که حافظ اندوخته است.

پیشینه تحقیق

شمیسا در کتاب نقد ادبی، ابهام را یکی از اصول مکتب نقد نو می داند و اشاره می کند که اولین کسی که ابهام را وارد حوزه نقد نو کرد امپسون از پیروان مکتب نقد نو بود. در کتاب حواشی شعر حافظ، غنی (۱۳۸۹) به برخی موارد ابهام آور در شعر حافظ اشاره کرده است و حتی ابهام را به عنوان یک صنعت بدیعی معرفی می کند شمیسا (۱۳۸۸) در کتاب، یادداشت های حافظ ابیات زیادی را یادآور می شود که پیچش فکری دارند و ابهام آنها سبب تحلیل های متفاوت از آن ها شده است، نیما (۱۳۶۳) در حرف های همسایه ابهام را مانند مه می داند که جنگل را می پوشاند.

رادفر (۱۳۶۸) در کتاب فرهنگی بلاغی- ادبی، به تقسیم بندی ابهام در شعر می پردازد. بهزاد خواجهات (۱۳۸۶) عوامل ابهام در شعر معاصر را در مقاله ای علمی پژوهشی مورد مطالعه قرار داده است. خانم سیما داد (۱۳۸۶) در کتاب فرهنگ اصطلاحات ادبی، به کتاب هفت نوع ابهام امپسون، اشاره می کند و این نوع نگرش و تقسیم بندی را شرح و تحلیل می کند. اما، با این وجود تابه حال، در خصوص ابهام در شعر حافظ، به شکل جامع و مانع کاری انجام نشده و این صنعت بدیعی که می تواند به عنوان یکی از شاخصه های برتر شعر حافظ باشد تا به حال بر مبنای مکتب نقد نو بررسی نشده است.

هدف این جستار ادبی این است که با یک تقسیم بندی از انواع ابهام در ساختار شعر حافظ به شناخت عوامل ابهام در ساخت شعر او پی ببرد و از این طریق شکل مواجهه با پیچش شعر حافظ را برای مخاطبانش عمیق تر و فنی تر جلوه دهد و به این پرسش پاسخ بدهد که چه عواملی در شعر حافظ ایجاد ابهام می کنند و عمدهء ابهام در شعر او، از چه عناصری ایجاد می شود و چرا حافظ، عامدانه و رندانه، از ابهام در شعر خود استقبال می کند و نقش ابهام در هنرمندانه تر شدن شعر، بر چه مبنایی می باشد. فرضیه های این جستار ادبی از این قرار هستند. ۱- ابهام در شعر حافظ عامدانه و رندانه است.

۲- دلیل اصلی پیچش و ابهام در شعر حافظ؛ پیچیدگی در سازه های فکری او و اشرافش بر علوم روزگارش خلاصه می شود.

ابهام در شعر حافظ

حافظ همواره در هوس شعر رندانه گفتن بوده و این هوس، او را به میدان بازی های رندانه زبانی و معنایی، سوق داده است و شیطنت شوخ حافظ در اصرار بر این رندی، از عوامل ابهام در ساخت و بافت شعر او، به شمار می رود.

همچو حافظ به رغم مدعیان
شعر رندانه گفتنم هوس است

(دیوان: ۴۲)

به نظر می‌رسد برای ابهام شعر حافظ با دامنهٔ وسیع پیچیدگی‌های لفظی و معنوی، می‌تواند دو نوع ابهام قائل شد.

۱- ابهام در ساختار ذهنی شعر حافظ

اساساً ادبیات تعمدی آشکار برای برهم زدن عادت‌هاست. نوعی هنجار گریزی و آشنایی زدایی در بافت‌های زبان برای رسیدن به ابهامی که از شاخصه‌های ادبی به شمار می‌رود. ادبیات دانش‌پویایی است که ورای همهٔ دانش‌ها زبان را به چالش می‌کشد و در آن تنش ایجاد می‌کند. ادبیات بی‌وقفه هر چه را که در حال مبدل شدن به رمزگانی دقیق با قواعد صریح تعبیر است، تضعیف می‌کند، به نقیضه می‌کشاند و از میان می‌برد. (کالر، ۱۳۷۹: ۱۲۳)

ابهام حاصل از پیچیدگی فکر و اندیشهٔ شاعر؛ به این معنا که گاهی ابهام شعر، حاصل نگره‌های پیچیده در ساختار اندیشهٔ حافظ است، اشراف حافظ به علوم زمان خود و وارد کردن و اشاره کردن به این علوم در شعر، می‌تواند زمینهٔ اینگونه ابهام در شعر را ایجاد کند، بر خلاف بسیاری از شاعران که با بازی‌های زبانی و آشنایی زدایی در کلام؛ بافت شعر خود را مبهم می‌کنند، شعر حافظ به دلیل پیچیدگی در نگره‌های ذهنی و بارش فکری و اشراف به علوم روزگار خویش، با ابهام همراه است. و هنوز در پاره‌ای موارد مشاهده می‌شود، بر سر این که، غزلی دارای ساختار مدحی است، یا عاشقانه یا عارفانه یا قلندرانه، بحث و اختلاف نظر وجود دارد، سخن در پرده گفتن خواجه در شعر او؛ رویکردی رازآلود ایجاد کرده است، شاید دلیل این که با شعر حافظ فال می‌گیرند و هر کس متناسب توان خود از آن برداشت علمی و عاطفی می‌کند، در این امر نهفته باشد.

به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست که مونس دم صبحم دعای دولت توست
(دیوان: ۲۸)



آیا ساختار این غزل مدحی است یا عارفانه یا عاشقانه ، برای پی بردن به این ابهام باید از دلان های تاریخ بگذریم تا به حقیقت این ماجرا پی ببریم ، اشاره های حافظ آنچنان در لایه های ابهام فرو رفته اند که مخاطب خاص این شعر هم برای تعیین ساحت شعر او دچار تردید می شود، این گره خوردگی اندیشه و شعر حافظ با زمانی که در آن می زیسته است، به آسانی باز شدنی نیست .

بیا که ترک فلک خوان روزه غارت کرد هلال عید به دور قدح اشارت کرد
(دیوان: ۱۳۱)

در این غزل هم تردید بر سر این است که عنصر غالب شعر مدح است یا عشق یا عرفان ،همین سرگردانی در درک عنصر غالب شعر می تواند، فضای شعر را پر از علامت سوال و ابهام کند . اما از مهمترین عوامل پیچیدگی و ابهام شعر حافظ، ساختار پیچیده فکر حافظ است که در سایه اشرف بر علوم زمان خود این مهم محقق می شود . شعر حافظ آینه تمام نمایی از علوم زمانش به شمار می رود، نجوم و موسیقی و فلسفه و عرفان و اساطیر، تفسیر و کلام و فقه از جمله این علوم به شمار می روند و همین بارش عظیم فکری در شعر حافظ، لایه های عظیمی ایجاد می کند که سبب رازناک بودن شعر او می شود ،در این زمینه به چند نمونه از ابیات که به واسطه این خصیصه دارای ابهام شده اند ، اشاره می کنیم.

روز ازل از کلک تو یک قطره سیاهی بر روی مه افتاد که شد حل مسائل
(دیوان: ۳۰۴)

در این بیت به این نکته اشاره می کند که در روز ازل در ابتدای آفرینش دو خورشید وجود داشته است و همیشه روز بوده است و خداوند یکی از آن ها را سیاه می کند تا تقابل شب و روز را به وجود بیاورد.

"لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ" (یس / ۴۰)
 این نکته علمی دور از ذهن می تواند ابهامی عمیق در شعر حافظ ایجاد کند.
 حافظ به خود نپوشید این خرقة می آلود ای شیخ پاک دامن معذور دار ما
 (دیوان: ۵)

اندیشه و فلسفه جبر گرای اشاعره در قرن هشتم، شالوده این بیت را تشکیل می دهد. پس مخاطب این شعر باید از این لایه های پیچیده شعر حافظ عبور کند تا به هسته مرکزی آن برسد در خصوص این بیت غنی این گونه گفته است: «مذهب اعتزال در قرن هشتم به کلی از میان رفته و فلسفه، فلسفه اشاعره بوده است (مذهب جبر اشاعره) مردم شیراز در عصر حافظ شافعی بوده اند.»، (غنی، ۱۳۶۶: ۹۹)
 شرابی بی خمارم بخش یارب که با وی هیچ دردسر نباشد
 (دیوان: ۱۶۲)

در این بیت حافظ شرابی را طلب می کند که ویژگی های آن در قرآن آمده است «در قرآن در سوره، الواقعة {از آیه ۱۵ تا آخر آیه ۱۹} تمام اصطلاحات پسر و ساقی و شراب صاف و شرابی که درد سر ندهد و خمار نیآورد همه در این آیه هست. شعر حافظ مثل این است که ترجمه این آیات باشد»، (غنی، ۱۳۶۶: ۲۰۵)

روز مبارک

آنی
مجد

به نظر می رسد بارش فکری حافظ که ریشه در تسلط او بر علوم زمان خودش دارد ، مهم ترین عامل پیچیدگی و ابهام در شعرش باشد.

نزدی شاه رخ و فوت شد امکان حافظ چه کنم بازی ایام مرا غافل کرد

(دیوان: ۱۳۴)

اگر کسی از قوانین بازی شطرنج اطلاع دقیقی نداشته باشد یقینا در خصوص این بیت دچار اشتباه می شود ؛ شاه رخ همان شاه قلعه کردن در بازی شطرنج است که قبل از کیش شدن باید جای شاه و قلعه را با هم عوض کرد.

داده‌ام باز نظر را به تذروی پرواز بازخواند مگرش نقش و شکاری بکند

(دیوان: ۱۸۹)

اصول و قواعد شکار در روزگار حافظ در حد یک علم پیچیده بوده است ، راهکار های تربیت باز و آموزش شکار به این پرنده از جمله این موارد است که اگر در این زمینه هیچ اطلاعی نداشته باشیم درک درستی از این بیت نمی توانیم پیدا کنیم .

به صوت بلبل و قمری اگر ننوشی می علاج کی کنمت آخرالدواء الکی

(دیوان: ۴۳۰)

اشراف حافظ بر معانی واژه ها سبب خلق ابیاتی می شود که دارای پیچش های فنی و شک برانگیز هستند. در این بیت آخرین دوا داغ کردن است اما حافظ بازی زبانی زیبایی با این واژه می کند در ابتدای مصرع دوم می گوید علاج کی کنمت که (کی) در ابتدای این مصرع معنای داغ می دهد .

در این زمینه فرهنگ تلمیحات شعر حافظ مشحون است، از نکاتی که دامنه وسیع دانش حافظ را به نمایش می گذارد و هر بیت الغزل معرفت او خود کتابی بزرگ است که ریشه در آیات و اساطیر و علوم متداول روزگار شاعر دارد.

ابهام معنایی و به تعبیر دیگر، چند معنایی بودن شعر حافظ از دیگر موارد این بحث به شمار می رود. ابیات متعددی از دیوان حافظ از این ویژگی برخوردار است که شارحان و مفسران در خصوص معنی آن ها با هم اختلاف نظر دارند. از باب مثال چند بیت شاخص از دیوان او را در زیر می آوریم:

گر از این دست مرا بی سر و سامان داری من به آه سحرت زلف پریشان سازم
(دیوان: ۳۲۶)

در این بیت، ابهام در این است که حافظ نفرین می کند یا دعا، که با تامل در ساخت فکری و هنری شاعر، می توانیم دریابیم که با توجه به زیبایی زلف پریشان و اینکه اگر زلف آشفته باشد زیبایی خیره کننده ای دارد، حافظ در حال دعا کردن است نه نفرین کردن.

گر مسلمانی از این است که حافظ دارد آه اگر از پی امروز بود فردایی
(دیوان: ۴۹۰)

در بیت پایانی این غزل ابهامی که حافظ در ساخت معنایی کلام خود به کار می برد، او را دچار چالش می کند و تا مرز مرتد شناخته شدن و مرگ پیش می برد، اما با راهنمایی زین الدین ابوبکر تایبادی و اضافه کردن بیتی به قبل این بیت از مهلکه، رندانه جان سالم به در برد: این حدیثم چه خوش آمد که سحرگه می گفت بر در میکده ای با دف و نی ترسایی
(دیوان: ۴۹۰)

ادامه دارد



بوی جان می آید اینک از نفس های بهار
 دستهای پر گل اند این شاخه ها ، بهر نثار
 با پیام دلکش ” نوروزتان پیروز باد ”
 با سرود تازه ” هر روزتان نوروز باد ”
 شهر سرشار است از لبخند ، از گل ، از امید
 تا جهان باقی است این آئین جهان افروز باد . .





به نام خالق هستی نویسنده: استاد جهانسوز باقرزاده

خوشحالم که امروز مرا می خوانید خدا را شکر می کنم که امروز در جهان هستی حضور دارم و این توانایی را به من بخشیده تا بتوانم امروز در کنار خانواده بزرگ "مجله انی" باشم.

جا دارد تشکر و قدردانی صمیمانه از سرکار خانم آیتا آرزومانیان کنم که امکان ارتباط بین من و شما خوبان و خوانندگان عزیز را فراهم کرد.

موضوعی را که امروز در این بخش مجله وزین انی برای شما فراهم نموده است در مورد "جهان هستی" و "انسان" و "مکانیزم ذهن".

انسان زمانی که وارد جهان هستی می شود مانند یک موبایل نو است البته با یک سری از نرم افزارهایی که در او نصب است تا بتواند نیازهای اولیه خود را با آن برآورده سازد.

به طور مثال اگر درد دارد و یا گرسنه است بتواند گریه کند و یا بخندد و یا شیر بخورد و یا وقتی در محیط متفاوت قرار می گیرد توانایی دیدن و شنیدن را داشته باشد تا بتواند آنها را شناسایی و رشد کند.

انسان دارای مکانیزمی به نام "ذهن" است که متأسفانه نود درصد افراد شناختی از آن ندارند. وقتی از فردی سؤال کنید ذهن چیست و چطور کار می کند؟ جوابی به طور یقین ندارد و با شک و تردید صحبت می کند.

چطور می شود ما می خواهیم با مکانیزمی که دائماً با آن سروکار داریم و نیاز ضروری زندگی ما است هیچ آشنایی با آن نداریم اما می خواهیم از آن استفاده کنیم و نکته جالب این است که همین ذهن به فرد اجازه رشد و آگاهی را نمی دهد تا به توانایی های خود در جهان هستی دسترسی پیدا کند و به فرد دلخواه خود در گیتی تبدیل شود و یا به عبارت دیگر به آرزوهای خود برسد و آن را در زندگی خود متجلی کند.

مبحث دوم "جهان هستی" است که موضوع بسیار مهم در زندگی است که دارای قوانین خاص خود است. وقتی ما می خواهیم سفر کنیم به شهر یا کشوری تلاش می کنیم که از آداب و رسوم و فرهنگ و قوانین آن جامعه اطلاعات کسب کنیم، به محض اینکه به آن جامعه ورود کردیم بتوانیم در آنجا با افراد ارتباط برقرار کنیم و مسائل زندگی خود حل و امرار و معاش کنیم. مخصوصاً تلاش می کنیم زبان آن کشور را یاد بگیریم تا پل ارتباطی آسان تر داشته باشیم. مگر می شود در این کره خاکی حضور داشته باشیم و در جهانی به این عظمت که دارای قوانین خاص خود است از آن اطلاع نداشته باشیم و زبان جهان هستی را بلد نباشیم و انتظار داشته باشیم که با آن ارتباط برقرار کنیم.

حتی آن را نمی شناسیم انتظار آن را داشته باشیم که دوست صمیمی ما باشد و برنامه های ما را اجرا کند. قطعاً چنین چیزی نخواهد شد و یک فکر بیهوده است و خیالی بیش نیست. در اینجا است که وقتی کائنات گوش به حرف فرد نمی دهد و در واقع او را به حساب نمی آورد اکثر افراد می گویند من فردی کم شانس هستم و تقدیرم این بود در صورتی که این افراد باید از طریق آموزش و یادگیری بتوانند قوانین جهان هستی را اجرا کنند و در فرایند زندگی خود خواسته های شان را متجلی کنند.

اما یک خبر خوشحال کننده به شما بدهم اینکه نگران نباشید زیرا ذهن ها ذاتاً هدفمند هستند و به محض اینکه فرد شهامت داشته باشد و خواسته خود را به زبان جاری کند و به کائنات اعلام کند کائنات افرادی را در مسیر او قرار می دهد تا او را تا سرحد بی نهایت رشد دهد. زیرا با رشد انسانها جهان هستی رشد می کند و گیتی گسترش می یابد.

ماهیت ذاتی جهان هستی و هرچیزی در این کره خاکی به رشد و فزون خواهی علاقمند است و انرژی از طریق تفکر به آن شکل و قالب در می آید.



و این اندیشه را شما در ذهنتان بوجود آورید که طبیعت دوست برنامه های من است و اوامر مرا اجرا می کند.

در نتیجه هر فردی هر فردی که خواهان نتایج بهتر و آزمون خطا کمتری را می خواهد تجربه کند باید شناختی از مکانیزم ذهن و قوانین جهان هستی داشته باشد تا بتواند انرژی کیهانی را به فرم دلخواه خود تبدیل کند.

ماکس پلانک پدر علم کوانتوم ثابت کرد که کل هستی انرژی است و انسان تنها فرمی از جهان هستی است که از طریق مکانیزم ذهن می تواند انرژی را به فیزیک تبدیل کند. اگر امروز در زندگی خود با مسائل و مشکلاتی دست و پنجه نرم می کنید و یا حال شما خراب است و می خواهید از آن وضعیت بیرون بیایید و روزگار شیرینی را تجربه کنید با آموزش دیدن و یادگیری قوانین جهان هستی و شناخت زبان کیهان و مکانیزم ذهن می توانید با کل کائنات ارتباط برقرار کنید و انرژی کیهانی را به فرم دلخواه خود تبدیل کنید و به یک فرد کاریزما و جذاب تبدیل شوید و زندگی شیرینی را تجربه کنید. این جمله را بارها و بارها تکرار کنید تا سلول شناختی آن در ذهن شما بوجود آید. "طبیعت دوست برنامه های من است و اوامر مرا اجرا می کند."

در مجله وزین انی در بخش های دیگر با ما همراه باشید تا با گوشه ای از قوانین جهان هستی آشنا شوید.

جهانسوز باقرزاده

۱۴۰۳/۱۲/۲۲



زردی من از تو
سرخی تو از من

غم برو شادی بیا
محنت برو روزی بیا

چهارشنبه سوری مبارک! امیدوارم این جشن باستانی براتون پر از شادی، سلامتی، و خبرهای خوب باشه. آتیش بزنید به هرچی غم و غصه است و با پریدن از روش، آرزوهای قشنگتون رو به واقعیت تبدیل کنید.

شاد باشید و دلی خوش داشته باشید! 🎉🔥😊



چهارشنبه سوری



کنار عشق و خانوادتون مبارک



پیرم خان ارمنی ؛ سردار خائن یا احیاگر مشروطه؟ به قلم: محمد مهدی ارجمند

"وقتی ارشدالدوله آماده حمله به تهران شد، پیرم را که در دوران صدارت اعظمی عین‌الدوله مستبد، مستعفی شده بود، خواستم و به او گفتم یکی دو روز دیگر قوای استبداد وارد تهران خواهد شد. انتظار دارم همانطوری که قول داده بودید، رفتار خواهید کرد. گفتم: برای خدمت حاضر... نقشه او را پرسیدم. گفت: صبح می‌روم و پس فردا به کار ارشدالدوله خاتمه می‌دهم و روز بعد شرفیاب می‌شوم. این حرف او مرا به یاد جمله سه کلمه‌ای ژولسزار در فتح آفریقا انداخت. او نوشت: آمدم. دیدم. فتح کردم. پیش خود فکر کردم، اگر پیرم رفت و فتح کرد بزرگتر از ژول سزار است. چون او بعد از فتح کردن نوشت و پیرم قبل از رفتن همان مطلب را گفت. "یادداشت‌های ناصرالملک قراگوزلو نایب‌السلطنه احمد کسروی پیرم خان را این گونه توصیف می‌کند: «این مرد چند نیکی و فزونی را، از دلیری و کاردانی و مردانگی و پاک‌درونی و مهربانی، در یک جا می‌داشت، دلیرانی یا بهتر بگوییم، گردانی که در شورش‌های آزادی‌خواهی پدید آمدند و بنام گردیدند از ستارخان و باقرخان و حیدر عمو اغلی و معزالسلطان و خود پیرم خان و دیگران، اگر بخواهیم بهسنجشی میان آنان پردازیم و برای هر یک جایگاهی نشان دهیم باید ستارخان را یکم و این مرد را دوم شمرده و سپس دیگران را بیاوریم. این مرد در دلیری و جنگ آزمودگی به ستارخان نزدیک، و در باز چشمی و بلنداندیشی با حیدرخان هم‌پایه بود.» کسروی البته از اشتباهات و خطاهای پیرم خان هم صحبت به میان آورده است: «آری از پیرم‌خان لغزش‌هایی هم سر زده، زیرا با ستارخان از در دشمنی درآمد و در پیش آمد پارک اتابک بیش از همه او کار کرد. نیز در داستان التیماتوم به سوی دولت گرائید و با نیرویی که در دست می‌داشت به یاری هواداران پذیرفتن اولتیماتوم برخاست و با دست او بود که مجلس بسته شد و کانون‌های آزادی‌خواه‌ها را میان برخاست و روزنامه‌ها ناپیدا شد. نیز با دست او بود که چند دسته از آزادی‌خواهان دستگیر و از تهران بیرون رانده شدند. این‌ها بدی‌های پیرم‌خان است و هیچ‌گاه نباید پوشیده داشت. چیزی که هست او هیچ‌یک از این کارها را از روی ناپاکدلی و سودجویانجام نداد.

همین دو تصویر که احمد کسروی از پیرم خان به مخاطب نشان می‌دهد کافیت تا متوجه شویم او یکی از پیچیده‌ترین چهره‌های عصر مشروطه است. چهره‌ای که علاوه بر اهمیت فردی نشانی دهد در عصر مشروطه تمام ایرانیان فارغ از دین و نژاد و مذهب به میدان آمدند تا حقوق خود را استیفا کنند و بدل به شهروند شوند. پیرم خان نماد تام و تمامی از اقلیت‌های دینی عصر مشروطه است که دوشادوش مسلمانان برای آزادی، برابری و حقوق شهروندی جنگیدند و از این جهت هم می‌توان پیرم خان را چهره‌ای برجسته در تاریخ معاصر ایران دانست. پیرم در خاطرات خود ماجرای تصرف بهارستان را اینگونه شرح می‌دهد: «من به اتفاق سالار حشمت‌وارد شهر شده بودم. او را در اطراف دروازه جا گذاشته و به سوی عمارت مجلس شورایی شتافتم و بهارستان را متصرف شدم. چون در صدد تصرف مجلس سپهسالار که با عظمت خود سنگر مناسبی محسوب می‌شد برآمدم به مقاومت شدیدی برخورددم. جنگ خونینی در گرفت. پس از دو ساعت زد و خورد، مسجد را هم به تصرف درآوردیم. قوای دولتی پس از دادتلفات سنگین پا به فرار گذاشت و در نتیجه جنگ تمام شد.» این توضیحات نشان می‌دهد که پیرم به تنهایی توانست با اقدامات خود مشروطه را که در آستانه نابودی بود احیا کند و از فرو ریختن آن جلوگیری کند. مقاومت نیروهای دولتی سرانجام در ۲۵ تیرماه ۱۲۸۸ در هم شکست. بعد از پیروزی مشروطه خواهان کمیسیونی تشکیل شد بنام کمیسیون عالی که حالت یک کابینه موقت را داشت. در این کابینه پیرم خان به سمت ریاست نظمی منصوب شد. علاوه بر این پیرم خان فرماندهی کل قوای دولت را هم بر عهده داشت این دو شغل به طور کامل او را درگیر کرده بود و او وقت خود را صرف سرکوب حامیان محمدعلی شاه و برقراری نظم و امنیت می‌کرد. روایت‌های متناقض از نقش پیرم خان در جنبش مشروطه درباره نقش پیرم خان در اعدام‌های پس از استقرار حکومت مشروطه اظهارات ضد و نقیض زیادی وجود دارد. مهم‌ترین این اعدام‌ها، اعدام شیخ فضل‌الله نوری است.



اعدامی که مورخان مشروطه را به دو دسته کاملاً متضاد تقسیم کرد. برخی این کارها را جنایت تلقی کرده و نقش پیرم را در انجام این جنایات پُررنگ کردند و برخی هم از این کار دفاع و پیرم را از دخالت مستقیم در اعدام شیخ فضل‌الله نوری مبرا دانستند. مخالفان اعدام شیخ فضل‌الله در کتاب رهبران مشروطه بخش پیرم نوشته‌اند: «پس از اعلام خلع محمدعلی شاه و تشکیل هیات مدیره، پیرم به ریاست نظمیۀ تهران منصوب شد و اکثریت یاران خود را در کار پلیس تهران وارد کرد و با سخت‌گیری و بی‌رحمی به دستگیری مخالفان مشروطه مشغول شد. جمعی را به زندان انداختند و جمعی را هم اعدام نمودند. فجع‌ترین جنایتی که مشروطه‌خواهان در این ایام مرتکب شدند، اعدام شیخ فضل‌الله نوری بود. این عمل به روحانیت لطمه بزرگی زد و پیرم در این جنایت اصرار ورزید. سپه‌دار راضی بود و سردار اسعد هم سکوت کرد، یک محکمه انقلابی از جمعی بی‌عقیده و مامور تشکیل شد و حکمی صادر نمود و شیخ را واجب‌القتل و مفسد فی‌الارض دانست...» کسروی درباره این وقایع نظر دیگری دارد: «هرچه هست حاج شیخ فضل‌الله بدخواه مشروطه شناخته شده و نامش بر سر زبان‌ها افتاده بود و در ماه‌های آخر خود کامگی محمدعلی میرزا که آقاسیدعلی یزدی و پاره ملایان دیگر که فرصت را از دست نداده مشروطه‌خواهی نمودند و خود را از بدنامی بیرون آوردند و حاج شیخ فضل‌الله تنها ماند، کینه مردم بر او فزونتر گردید و کار به آن جا رسید که با همه چیرگی محمدعلی میرزا کسانی آهنگ کشتن او را کردند و کریم نامی گلوله به او انداخت، ولی چندان کارگر نیفتاد و خود کریم دستگیر شد. باری پس از برافتادن محمدعلی میرزا حاج شیخ فضل‌الله را با چند تن از بستگانش بگرفتند و در محکمه به بازپرسی و داوری پرداختند و درباره او نیز حکم کشتند اذند.» درباره حوادث بعد از فتح تهران و نقش پیرم در آن نباید این نکته را از نظر دور داشت که پیرم به عنوان مسئول برقراری نظم و امنیت تهران مجری اوامر کمیسیون عالی بود و خودش مستقیماً دستوری برای دستگیری اعدام‌شدگان نداده بود. مهدی ملک‌زاده درباره نحوه برخورد قوای نظمیۀ با شیخ فضل‌الله نوری در تاریخ مشروطیت می‌نویسد:



«مجاهدینی که شیخ را دستگیر نموده بودند ذره‌ای بی‌احترامی نسبت به وی نشان نداده و هیچ عملی که باعث شکنجه روحی یا بدنی وی شده باشد مرتکب نشده بودند و می‌توان گفت که رفتار نسبتاً محترمانه‌ای داشته‌اند.» مهدی انصاری در کتاب رویارویی دو اندیشه درباره نقش پیرم در دادگاه شیخ فضل‌الله نوری می‌نویسد: «ضمن سوالات، پیرم از در پائین آهسته وارد شد و پنج شش قدم پشت سر آقا برای او صندلی گذاشتند، نشست، آقا ملتفت آمدن او نشد، یک مرتبه آقا از مستنطقین پرسید، پیرم کدامیک از شما هستید.» این سند موید دو مسئله است: یکی آنکه پیرم خان، شیخ را دستگیر نکرده بود، زیرا در آن صورت او را می‌شناخت و نیازی به پرسش نداشت. دوم آنکه پیرم عضو دادگاه نبود و برای او صندلی مجزا گذاشتند و در جایگاه اعضای دادگاه عالی انقلاب نشست. پیرم در این روزها عملاً حافظ و نگهبان مشروطه و مقابله با توطئه‌های هواداران استبداد شده بود و با قدرت علاوه بر برقراری نظم در ایران به سازماندهی نیروهای پراکنده تحت امر نظمی هم می‌پرداخت. پیرم هیچ‌گاه از این قدرت خود سوءاستفاده نکرد و به همان مقرری اندک ماهی سیصد تومان اکتفا نمود.

پیرم خان و ماجرای پارک اتابک پیرم بعد از سازماندهی و ایجاد امنیت در تهران توانست شورش‌های قومی مخالفان مشروطه را هم با موفقیت سرکوب کند. اما بعد از بازگشت به تهران ماجرای اصلی در انتظار او بود. در زمان بازگشت پیرم به تهران اختلافات میان سران مشروطه به اوج خود رسیده بود و رهبران مشروطه به دو دسته انقلابی و اعتدالی تقسیم شده بودند. پیرم خان البته بعد از بازگشت به تهران به خاطر اختلاف با عین‌الدوله استعفا داده بود، اما به اصرار سران مشروطه مجدداً به خدمت بازگشت. دوران به خدمت بازگشتن پیرم همزمان شد با دو دستگی سران مشروطه و ایجاد گروه‌های انقلابی به رهبری حیدرخان عمو اوغلی و علی محمد خان تربیت و اعتدالیون به رهبری سردار اسعد بختیاری انجامیده بود. از آن طرف خروج ستارخان و باقرخان از تبریز و عظیمت به تهران روس‌ها را نگران کرده بود به همین خاطر دولت روسیه از حکومت نوپا خواست تا این دو سردار را از ایران خارج کنند.





تلگرافی به نجف زده شد و از علمای نجف خواسته شد که آنان را به نجف فرا بخوانند. این برخوردها نشان می‌داد که بنا بر این گذاشته شده که در صورت حضور این دو سردار در تهران آنان را شورش‌معرفی کرده و از چشم مردم بی‌اندازند. با ورود این دو سردار به تهران اتفاقات زیادی رخ داد که اولین آن‌ها شایعه مرتد دانستن تقی‌زاده توسط علمای نجف بود و دیگری اقدام به ترور بهیانی و ترور علی محمدخان تربیت و سید عبدالرزاق بود. این ترور اخیر به دست گروه معز السلطان و اعتدالیون اتفاق افتاد و در شهر شایعه ساختند که ستارخان و باقرخان از این قتل‌ها آگاهی داشتند. به سبب این آشفتگی‌ها بنابراین گذاشته شد که رهبران مشروطه خلع سلاح شوند؛ بنابراین دولت اعلام کرد به جز قوای نظامی تحت امر دولت همه مجاهدان باید تفنگ‌های خود را تحویل دهند. این کار به عهده پیرم گذاشته شد و او که مامور نظمی بود به ناچار و با فشار دولت مسئولیت این کار را پذیرفت تا بزرگترین تراژدی مشروطه رقم بخورد. از طرف دیگر محیط طباطبایی عامل اصلی واقعه پارک اتابک را قوام‌السلطنه می‌داند که شخصاً دستور حمله را صادر کرده است. از طرف دیگر بسیاری از متون ارمنی نزدیکان پیرم درباره این واقعه ترجمه نشده و همین بر ابهامات ماجرا می‌افزاید. مذاکرات زیادی صورت گرفت تا جنگی به راه نیفتد و ستارخان با پیشنهادی حتی حاضر به پس دادن تفنگ همراهان خود شد، اما آنطور که اسماعیل راثین در کتاب خود سردار پیرم خان ذکر کرده حضور دو تن از اعضای سفارت عثمانی به نامهای جمال بیک و جمیل بیک که احتمالاً به تحریک معز السلطان به آنجا آمده بودند و مجاهدین همراه ستارخان را تحریک می‌کردند و حضور گسترده مردم برای حمایت از ستارخان و باقرخان در نهایت باعث جنگ شد. سردار پیرم خان در نبرد شورجه در ۲۹ اردیبهشت ۱۲۹۱ خورشیدی برابر با ۱۹ می ۱۹۱۲ در نزدیکی قلعه شورجه در همدان توسط عبدالباقی خان چهاردولی و محمود خان پسر عباس خان چناری که از طرفداران محمدعلی شاه بودند به شهادت رسید و خون پاکش فدای آرمان بزرگش که آزادی و برقراری حکومت قانون بود شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

محمد مهدی ارجمندی

هیچ ملتی نمی تواند تنها به خاطر گذشته خود زندگی کند و بدون گذشته خود نیز نمی تواند پایدار بماند. ملتی که به گذشته خود وابسته و دلبسته نباشد الزاما از صحنه ی روزگار ناپدید خواهد شد.

تاریخ ایران مملو از افتخارات و نابسامانی ها است. عبرت از گذشته می تواند به فضل خداوند بهترین رهنمون برای آینده باشد. اکنون میخوایم نظری به گذشته ایران بیندازیم. گذشته ای که هیچکس نمی تواند بر آن "خط بطلان" بکشد.

توانایی ها و خطرهای ناشی از موقع جغرافیایی ایران ایران کشوری کهنسال است که تاریخش به اعماق قرون وسطی می رسد. ایران در منطقه خاورمیانه واقع شده که گاهواره تمدن های بزرگ بوده است. کشور ما در تقاطع خطوط مواصلاتی میان اروپا، آسیا، شبه قاره هند و آفریقا قرار گرفته و با سه دریا - دریای خزر شمال، خلیج فارس در جنوب غربی، دریای عمان در جنوب شرقی - ارتباط دارد و از دریای مدیترانه که مرکز جهان متمدن غرب بوده است فاصله زیادی ندارد.



پاسخ به تاریخ

به قلم: محمد رضا یطوری



بررسی وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روستاهای
ارمنی - نشین در دوره قاجار
بر اساس اسناد فرامین فارسی ماتناداران

محمد رضا علم
آرسن آواکیان
وارطان وسکانیان
عباس اقبال مهران

چکیده:

ظلم و نارضایتی ارمنه روستانشین خود گویای سرخوردگی آن‌ها از ماهیت و کارکردهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حکومت استبدادی و عدم مشارکت مردم در تصمیمات بود. عامل اصلی که باعث شد ارمنه روستانشین به ایران علاقه‌مند شوند و در جریان‌های سیاسی و اجتماعی وارد صحنه مطالبه‌گری شوند روح وطن دوستی و دلبستگی به آب و خاکی بود که در آن متولد و رشد یافته بودند و همچنین وضعیت نابهنجار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها بود. ارمنه روستانشین همانند دیگر دهقانان مورد ظلم و بهره‌کشی توسط خان‌ها و حاکمان محلی و مأموران حکومتی بودند. ارمنه روستائی‌نشین به دنبال فرصتی بودند که بتوانند در یک محیط امن و قانون برابر زندگی و به رشد وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود پردازند. این پژوهش درصدد است با نگاهی توصیفی-تحلیلی به بررسی وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روستاهای ارمنی - نشین در دوره قاجار پردازد. لذا در پی - پاسخگویی به این سوال - ها می‌باشد:



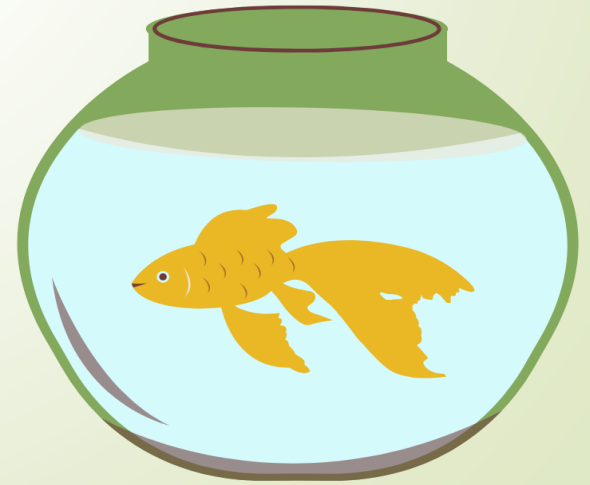
۱- وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روستاهای ارمنی^۱ نشین در دوره قاجار چگونه بود؟^۲ - راهبرد دولت قاجار در مواجهه با مشکلات روستاهای ارمنی^۱ نشین چه بود؟ یافته‌های^۱ پژوهش^۱ حاکی^۱ از^۱ آن^۱ است که استمرار حضور آرامنه در روستاهای ایران، نشانگر مناسبات روبه بهبود ایرانیان با آرامنه در این دوره است. وضعیت آرامنه روستانشین به دلیل کارکردهای استبداد سلطنت نیز همانند روستانشینان مسلمان ایرانی بود. آرامنه روستانشین در پی ارتقاء سطح اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود برای رسیدن به یک برابری و آزادی در سایه قانون بودند.

کلیدواژه‌ها: روستاهای ارمنی، قاجار، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی.



Happy
NEW
YEAR

سرسبزترین بهار تقدیم تو باد
آواز خوش هزار تقدیم تو باد
گویند که لحظه ایست روئیدن عشق
آن لحظه هزاران بار تقدیم تو باد.



CASE STUDY

38

In situ shell technique for edentulous ridge augmentation

Behzad Houshmand¹ | Mohammadreza Talebi Ardakani¹ | Omid Amirinasab¹ |
 Reza Amid¹ | Anahita Moscowchi¹ | Zeinab Rezaei Esfahrood¹ |
 Mehdi Ekhlasmand Kermani²

¹Department of Periodontics, School of Dentistry, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

²Department of Periodontics, School of Dentistry, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

Correspondence

Omid Amirinasab, Department of Periodontics, School of Dentistry, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Daneshjoo Blvd, Evin, Shahid Chamran Highway, Tehran, 1983963113, Iran. Email: Omidamirinasab22@gmail.com

Abstract

Background: The novel two-stage technique presented in this study is based on guided bone regeneration for three-dimensional bone augmentation.

Methods and Results: The proposed technique was performed to augment an atrophic alveolar ridge in the maxilla and mandible. This method is based on using an autogenous bone plate, a mixture of allogeneic bone graft and injectable – platelet-rich fibrin, and a bioresorbable barrier membrane. Based on the cases presented in this study, sufficient osseous regeneration was achieved to place dental implants in an ideal position.

Conclusion: Within the limitations of the present study, it seems that in situ shell technique could be a beneficial method to augment the extremely atrophied ridges with less morbidity and shorter operative time.

KEYWORDS

alveolar bone loss, bone regeneration, reconstructive surgical procedures

Key points

Why is this case new information?

- The cases presented a new technique using in situ autogenous plates for ridge augmentation.

What are the keys to the successful management of this case?

- The keys to the successful management of these cases are proper flap management and less traumatic bony plate preparation.

What are the primary limitations to success in this case?

- The primary limitation to success in this technique would be a need for high surgical skills to conduct the procedure accurately.

INTRODUCTION

Dental implants have recently become a routine treatment option for the replacement of missing teeth.¹ However, tooth loss may result in extensive bone resorption, which usually makes it difficult to place implants due to inadequate bone volume.² The capacity of bone defects to spontaneously heal is dependent on different factors including the absolute versus relative size, whether there is circumferential loss of bone, anatomical location, soft

tissue condition, age of the patient, and the presence of other comorbidities.^{3,4} In general, a “critically-sized” defect is regarded as one that would not heal spontaneously unless further surgical interventions are executed.^{1,5,6} The best treatment modality should be selected based on the disease process, the anatomy involved, and the required amount of reconstruction.⁷

The use of blocks or split blocks of autologous bone is among the most common procedures to augment the alveolar ridge defects; these grafts remain the gold standard for



مقاله جناب آقای
 دکتر بهزاد هوشمند

(متخصص جراحی
 لثه (پریودانتیکس))

ridge augmentation, especially for extensive horizontal and vertical defects.⁸ However, autogenous bone graft harvesting from sites other than the surgical area is associated with donor site morbidity.⁹

The cases presented in this article describe a novel surgical approach using autogenous bone graft harvested from the surgical area to not only decrease the morbidity but also transform the supracortical to subcortical defects to enhance the predictability of osseous reconstruction and increase the probability of a successful treatment outcome.

MATERIALS AND METHODS

Clinical presentation

A 61-year-old non-smoker female with an atrophic maxilla presented to the department of periodontics, school of dentistry, Shahid Beheshti University of Medical Sciences. The full-mouth plaque and bleeding scores were less than 20%. Written informed consent was obtained. Anatomical structures and morphology of the hard tissue were evaluated preoperatively using a cone beam computed tomography (CBCT) scan.

Case management

A preoperative oral antibiotic (amoxicillin 1 gr) was administered 1 h before surgery. The patient rinsed her mouth with 0.2% chlorhexidine for 1 min before local anesthesia administration (40 mg/ml articaine hydrochloride with 1:100,000 epinephrine). A horizontal midcrestal incision and two vertical releasing incisions were designed and a full-thickness flap was reflected. Bone harvesting was conducted with a piezoelectric device^{*}. Four osteotomies were performed using a saw-shaped insert for upper horizontal, anterior, and posterior bone cuts, while the lower horizontal cut was performed with a dual-angled saw insert. The final osteotomy was extended to the cancellous bone to dislocate the bone plate laterally using a fine chisel, and the screw holes were drilled before complete separation. Without removing the prepared shell from the oral cavity, it was firmly fixated with lag screws[†] at the proximal and distal extremities to leave space for the application of the biomaterial.

Two tubes containing 10 ml of whole blood without anticoagulant were collected and centrifuged at 700 rpm for 3 min (60xg) at room temperature[‡]. The upper layer of transparent yellow liquid was collected with a sterile syringe, and the prepared injectable platelet-rich fibrin (i-PRF) was then mixed with the particulate allogeneic bone substitute[§]. The ratio of freeze-dried bone allograft (FDBA)

to decalcified FDBA of this grafting material is 70:30. The space between the native bone and the inner surface of the bone plate was filled with the mixture of particulate bone graft and i-PRF, and a resorbable collagen membrane^{**} was placed over the osseous defect fixed on the palatal/lingual and buccal sides with titanium tacks^{††}. Periosteal incisions were made for passive flap advancement. Flap closure was achieved with a double-layer suturing technique: horizontal mattress sutures (5-0 Nylon) for the apical aspect and non-resorbable monofilament (5-0 Nylon) interrupted simple sutures for wound adaptation (Figure 1A–H).

RESULTS

Postoperative instructions included rinsing the mouth with 0.2% chlorhexidine mouthwash 3 times a day for 3 weeks, amoxicillin 500 mg and metronidazole 250 mg three times daily for 7 days, and ibuprofen 400 mg twice a day for 2 days and then as needed. Wound healing was uneventful and no complications were observed. The interrupted sutures were removed after 14 days and the mattress sutures were removed 21 days after surgery.

After 6 months of healing, the second stage of surgery was planned, which showed that a sufficient osseous regeneration of the defect.

Another case with the same technique in the right posterior mandible is presented in Figure S1 in the online *Clinical Advances in Periodontics*.

DISCUSSION

This study proposed a novel two-stage surgical procedure for three-dimensional bone reconstruction in atrophic edentulous ridges using intraoral autogenous plates and particulate grafts covered by bioresorbable membranes. The cases reported in this study exhibited promising outcomes allowing for restoratively-driven implant placement.

According to the biological principles and the classification of bone defects, most treatment approaches achieve acceptable results in the short-term period. However, critical defects usually possess a supracortical part with lower regenerative capacity. In situ shell technique is designed based on bioconversion to turn a critical defect into a non-critical defect (bone defect bioconversion) to obtain a more predictable result.

Recent systematic reviews have shown the clinical efficacy of two ridge augmentation techniques, with the estimated mean horizontal and vertical bone gain of 3.71 and 4.16 mm, respectively.^{10,11} In the cases presented in this study, a mean bone gain of 4.5 mm was achieved. The most serious complication of using autogenous bone blocks is neurosensory disturbances, often observed in

* Piezosurgery, Mectron, Cologne, Germany

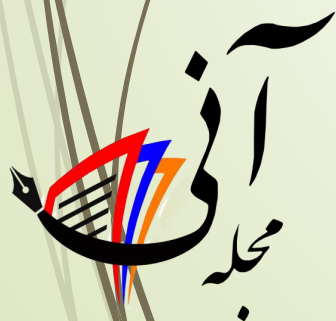
† Lag Screw, Osveh Asia Medical Instrument, Iran

‡ Medifuge CGF, Silfradent, Singen (Hohentwiel), Germany

§ CenoBone, Tissue Regeneration Co., Kish, Iran

** Regen Allograft, Iranian Tissue Product, Tehran, Iran

†† Osveh Asia Medical Instrument, Iran



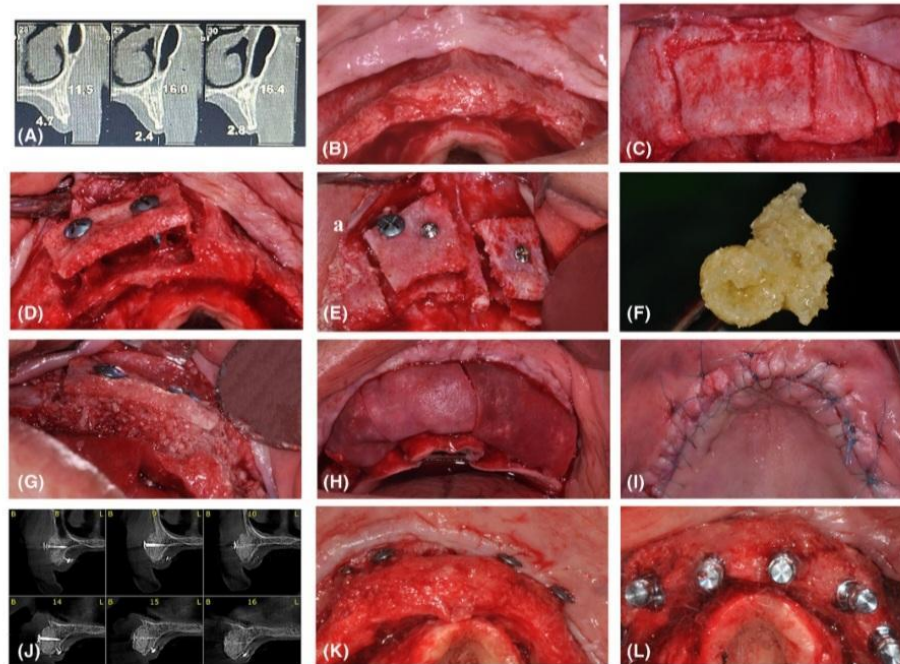


FIGURE 1 In situ shell technique procedure. (A) The cross-sectional cone beam computed tomography (CBCT) slices show a defective alveolar ridge. (B) Following the elevation of a mucoperiosteal flap, the defect was confirmed. (C) Bone harvesting was performed from the surgical area of the maxilla using a piezoelectric device. (D) The bone was perforated before the complete separation of the prepared shells. (E) The plates were stabilized using fixation screws at the proximal and distal extremities to leave space for the application of the biomaterial. (F) Venous blood was collected to prepare injectable platelet-rich fibrin (i-PRF), which then was mixed with the particulate allogeneic bone substitute. (G) The space between the native bone and the inner surface of the cortical plate was filled with the prepared mixture. (H) A non-cross-linked collagen membrane was applied and fixated using titanium tacks. (I) Primary wound closure was achieved subsequent to the incision of the periosteum. (J) Postoperative CBCT scan after 6 months. Bone gain volume was determined by ultra-low-dose CBCT (HDX Will, South Korea), which revealed an increase in bone width ranging from 2.8 to 7.3 mm in different regions. (K) The defect was significantly improved. (L) After 6 months, implants were placed in an ideal 3-D position based on a guided-surgery approach.

cases of autogenous chin bone harvesting; this technique can also produce aesthetic problems in the patient's facial contours,¹² which could be eliminated by the proposed technique.

Khoury and Khoury⁸ used two split autologous bone plates using a microsaw for block harvesting. The Wafer Technique proposed by Merli et al.¹³ also allows for intraoral bone harvesting from the mandibular ramus or lateral oblique ridge by a piezoelectric device. The benefit of the shell technique is harvesting the bone plate from the surgical field using piezosurgery; it has the advantage of convenient surgical access and low morbidity. This technique also reduces the operative time, costs, intraoperative blood loss, pain, and recovery time. Since the block is not taken out of the oral cavity, the possibility of contamination is also diminished.

The original split bone block technique⁸ does not apply biomaterial or membranes to cover the grafted area. In the Wafer technique, a mixture of autogenous and xenogeneic grafts (50:50) is applied to fill the space between the plate and the native bone. We used a mixture of i-PRF and allograft (i-PRF block), which can act as a soft-block bone graft providing increased compressive resistance and a sustained release of multiple growth factors facilitating wound healing and new bone formation.¹⁴

CONCLUSION

Like other surgical skills, in situ shell technique has a learning curve; the clinical case presented was carried out by a skillful surgeon, and it is unclear whether the same

outcomes could be obtained by less experienced clinicians. In addition, further clinical and histological trials are needed to evaluate the quantity of bone regeneration.

AUTHOR CONTRIBUTIONS

Conceptualization: Behzad Houshmand and Mohammadreza Talebi Ardakani. **Investigation:** Behzad Houshmand and Omid Amirinasab. **Methodology:** Behzad Houshmand, Mohammadreza Talebi Ardakani, and Omid Amirinasab. **Project administration:** Omid Amirinasab. **Supervision:** Behzad Houshmand. **Validation:** Mohammadreza Talebi Ardakani and Behzad Houshmand. **Visualization:** Reza Amid. **Writing—original draft:** Omid Amirinasab, Zeinab Rezaei Esfahrood, and Mehdi Ekhlasmad Kermani. **Writing—review and editing:** Reza Amid and Anahita Moscowchi.

CONFLICT OF INTEREST STATEMENT

The authors declare no conflicts of interest.

REFERENCES

1. Buser D, Sennerby L, De Bruyn H. Modern implant dentistry based on osseointegration: 50 years of progress, current trends and open questions. *Periodontol 2000*. 2017;73:7-21.
2. Esposito M, Grusovin MG, Felice F, Karatzopoulos G, Worthington HV, Coulthard P. Interventions for replacing missing teeth: horizontal and vertical bone augmentation techniques for dental implant treatment. *Cochrane Database Syst Rev*. 2009;2009:CD003607.
3. von Arx T, Buser D. Horizontal ridge augmentation using autogenous block grafts and the guided bone regeneration technique with collagen membranes: a clinical study with 42 patients. *Clin Oral Implants Res*. 2006;17:359-366.
4. Urban IA, Nagursky H, Lozada JL, Nagy K. Horizontal ridge augmentation with a collagen membrane and a combination of particulated autogenous bone and anorganic bovine bone-derived mineral: a prospective case series in 25 patients. *Int J Periodontics Restorative Dent*. 2013;33:299-307.
5. Schmitz JP, Hollinger JO. The critical size defect as an experimental model for craniomandibulofacial nonunions. *Clin Orthop Relat Res*. 1986;205:299-308.

6. Brierly GI, Tredinnick S, Lynham A, Woodruff MA. Critical sized mandibular defect regeneration in preclinical in vivo models. *Curr Mol Biol Rep*. 2016;2:83-89.
7. Bell RB, Gregoire C. Reconstruction of mandibular continuity defects using recombinant human bone morphogenetic protein 2: a note of caution in an atmosphere of exuberance. *J Oral Maxillofac Surg*. 2009;67:2673-2678.
8. Khoury F, Khoury C. Mandibular bone block grafts: diagnosis, instrumentation, harvesting techniques, and surgical procedures. In: Khoury F, Antun H, Missika P, eds. *Bone Augmentation in Oral Implantology*. Quintessence; 2007:115-212.
9. Khojasteh A, Morad G, Behnia H. Clinical importance of recipient site characteristics for vertical ridge augmentation: a systematic review of literature and proposal of a classification. *J Oral Implantol*. 2013;39:386-398.
10. Elnayef B, Porta C, Suárez-López Del Amo F, Mordini L, Gargallo-Albiol J, Hernández-Alfaro F. The fate of lateral ridge augmentation: a systematic review and meta-analysis. *Int J Oral Maxillofac Implants*. 2018;33:622-635.
11. Urban IA, Montero E, Monje A, Sanz-Sánchez I. Effectiveness of vertical ridge augmentation interventions: a systematic review and meta-analysis. *J Clin Periodontol*. 2019;46(Suppl 21):319-339.
12. Sanz-Sánchez I, Sanz-Martin I, Ortiz-Vigón A, Molina A, Sanz M. Complications in bone-grafting procedures: classification and management. *Periodontol 2000*. 2022;88:86-102.
13. Merli M, Moscatelli M, Mariotti G, et al. A novel approach to bone reconstruction: the Wafer technique. *Int J Periodontics Restorative Dent*. 2017;37:317-325.
14. Shah R, Gowda TM, Thomas R, Kumar T, Mehta DS. Biological activation of bone grafts using injectable platelet-rich fibrin. *J Prosthet Dent*. 2019;121:391-393.

SUPPORTING INFORMATION

Additional supporting information can be found online in the Supporting Information section at the end of this article.

How to cite this article: Houshmand B, Talebi Ardakani M, Amirinasab O, et al. In situ shell technique for edentulous ridge augmentation. *Clin Adv Periodontics*. 2024;14:5-8. <https://doi.org/10.1002/cap.10235>



خسته و گرسنه از محل کارم راه افتادم. برای چندمین بار موجودی حسابم را چک کردم. با موجودی حسابم فقط توانایی خرید یک پرس غذا را داشتم. سه روز تا آخر ماه مانده بود برای همین هر بار از خرید غذا منصرف می‌شدم. دیدن پست‌های آشپزی و غذاهای رنگارنگ در فضای مجازی بیشتر گرسنه‌ترم می‌کرد. به فکر این بودم که به محض رسیدن به خانه، دو تا تخم‌مرغ نیمرو کنم و بخورم. در یکی از پست‌های آشپزی خانم مسنی قیمه خوشرنگ و لعابی را در یک سینی چیده بود کنارش ماست و خیار و سبزی خوردن، و شربت زعفران خودنمایی می‌کرد. روی صفحه گوشی زوم کردم و به تک‌تک اجزای تشکیل دهنده سینی نگاه کردم. "حقوق این ماه رو که بگیرم گوشت می‌خرم یه قیمه حسابی برای خودم می‌پزم" به خانه که رسیدم بعد از تعویض لباس به آشپزخانه رفتم. صدای زنگ واحد را شنیدم در را باز کردم، خانم همسایه واحد پایین بود و سینی در دستانش داشت.

«گفتم شما دیر وقت می‌رسید فرصت غذا پختن ندارید بفرمایید! نوش جان»

باورش سخت بود. این سینی، همان سینی بود با همان جزییات... و شاید دستان آن زن دستان خدا بودند.



آنی
محمد



با صدای زنگ ساعت از خواب
بیدار شد زیاد از ساعت
خوشش نمی یاد اخه
ساعت ! با زنگ های پشت سر
هم ، نمی زاره که بیشتر
بخوابد .

نگاهش به دستانش می افتد
که مثل سنگ پا شده و دیگه
ان نرمی و زیبایی دستان یک
زن را ندارد

در حالی که با وازلین !
دستش را چرب می کند زیر
لب می گوید امروز کدام
خانه !

اولین داستانتک طاهره ترسلی



آن روز که نوروز از غنچه و گل گشت پدید
 باغبان رفت سوی باغ و بلبل گلزار دمید
 آنان که نرفتند به سیل گل و بوسیدن یار
 آیا که ندانند صبوری رود از چشم امید

شاعر عباس ترابی





اسبی زخمی بود
نه میلِ ماندن داشت
نه توانِ رفتن

ناگزیر
طعمه‌ی گرگ‌ها شد

بابک قبادی

منبع: یازدهم



به نام خداوند بخشنده مهربان

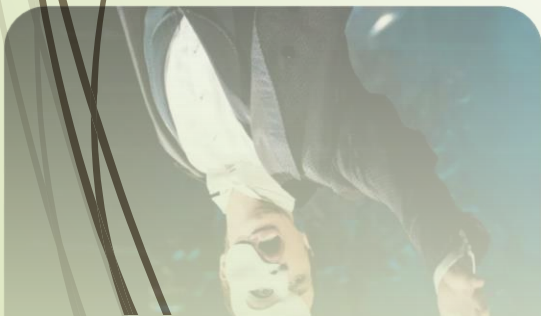
به نام آنکه جان را فکرت آموخت
چراغ دل به نور جان برافروخت

اپرا، یک هنر دراماتیک چند وجهی است که حواس را به اوج می‌رساند و احساسات را برمی‌انگیزد. این هنر، تلفیقی است از:

آواز، موسیقی، نمایش، داستان میباشد.

اپرا در طول تاریخ تکامل یافته است و سبک‌ها و رویکردهای مختلفی را در بر می‌گیرد. از اپراهای باروک هندل و مونته‌وردی گرفته تا اپراهای رمانتیک وردی و واگنر و اپراهای مدرن برن و گرس، اپرا همواره به عنوان یک هنر زنده و پویا به تکامل خود ادامه داده است.

به طور خلاصه، اپرا یک هنر جامع است که موسیقی، آواز، نمایش و داستان را در هم می‌آمیزد تا تجربه‌ای بی‌نظیر و فراموش‌نشدنی را برای مخاطب ایجاد کند.



امروز در حضور یکی از سولیست ها محبوب اپرا در ایران هستیم جناب آقای "رشید وطن دوست"

با سلام و عرض ادب خدمت شما استاد بزرگوار با نهایت سپاس از شما که دعوت ما رو پذیرفتید و در **مجله_آنی** حضور دارید.



لطفا خودتان را معرفی کنید؟

درود بر شما امیدوارم که روز خوبی داشته باشید.
بنده رشید وطن دوست هستم خواننده، سولیست و
آرتیست اپرای تهران بودم، که حدود ۹۵ - ۳۶
اجرای اپرا در نقش های مختلف داشتم.
متولد تبریز هستم، بعد از اخذ دیپلم به تهران آمدم و
به استخدام اپرای تهران در تالار رودکی در آمدم.



چگونه وارد دنیای موسیقی شدید؟ و از چند سالگی؟

عرض شود که من در حدود ۵-۶ سالم بود که در تبریز که با خانوادم زندگی میکردم ما در خانه یک گرامافون ذغالی داشتیم، صفحات ذغالی رو که از اپراهای معروف دنیا بو. یکی از خواننده های معروف دنیا به نام ماریو لانزا و دومی آرولیانو پرتیله و انریکو کارازو اینا صفحاتی بود که پدرم برای من خریده بود و من اینا رو گوش میکردم و به محض تموم شدن اپرا من گریه میکردم که دوباره بزارید، دوباره میزاشتن.

حدود ۱۴-۱۵ سالم بود که در تبریز بودیم و همیشه من در یکی از اتاق های قدیمی آپارتمان که ۵-۶ اتاق داشت در یکی از آنها برای خودم میخوندم.

مثلا اپراهای آرشی مال آلان (Arşin Mal Alan) رو میخوندم ساخته اوژین حاجی بیکو از کوراوغلو میخوندم .

که آن هم آهنگسازش اوزیر حاجی بیگ اف (Üzeyir bəy) بود.

اون موقع داشتم در یکی از همین اتاق ها میخوندم که پدرم آمد و چون تعداد اتاق ها بالا بود من اطلاع نداشتم که مهمان داشتیم از اطراف تبریز یک خانواده ۸ نفره، وقتی پدرم وارد شد به من گفتم: آخه این چیه که میخونی و تمام مدت داد میزنی و من عذرخواهی کردم و اضاچار بی اطلاعی از حضور مهمانان و از من یک سوال پرسید: شما چه شغلی میخوای برای آیندت انتخاب کنی؟ و من در جواب گفتم که میخوام خواننده اپرا بشم پدرم با پوزخندی گفت: آخه این هم شغل شد که میخوای برای خودت پیدا کنی؟ برو دنبال یه شغل حسابی و خوب (خواننده اپرا شدن هم شغله؟) من هم در جواب گفتم: عاشق اپرا هستم میخوام خواننده اپرا بشم و در نهایت بدون هیچ مشکلی قبول کرد.



در مورد آموزش های آوازی خودتان بگوئید، با چه اساتیدی کار کردید؟

50



وقتی من از دبیرستان فردوسی دیپلم رو گرفتم به تهران آمدم نزد آقای علی سلیمی ایشان رهبر ارکستر آذربایجانی بود و آهنگساز ترانه و معروف آیرلق به معنی جدایی و همچنان خودشان نوازنده تار بودند که حدود ۱۲ نفر جز ارکستر ایشان بودند که خودش رهبر ارکستر بود؛ ایشان منو در تهران پیدا کردند در سال ۱۳۴۵ بود که گفتن: من میخوام شما خواننده این ارکستر باشید این ارکستر هم از قول آقای سلیمی میگم که "وابسته به وزارت فرهنگ و هنر هست که تمرینات ما در خیابان ملک که نرسیده شریعی هست اون موقع یه موسسه ای بود به نام فولکلور ایران وابسته به وزارت خونه فرهنگ و هنر بود که من اونجا حدود ۱ سال من سولیست ارکستر آقای سلیمی بودم. که اتفاقاً در آن ارکستر اسماعیل چشم آذر هم در آنجا نوازنده کمانچه بود پدر ناصر چشم آذر و منوچهر چشم آذر که ناصر رو خدا بیامرزه روحش شاد ولی منوچهر در آمریکا هستند. بعد ۱ سال آقای منوچهر بگری که خودشان نوازنده ترومپت بود در ارکستر سمفونیک تهران که رهبری ارکستر هم آقای حشمت سنجری بود (روحشان شاد)،



سپس آقای منوچهر بگگری به من گفتند که همراه ایشان پاپ بخونم و من هم پذیرفتم و من ۱ سال هم با ایشان که ارکستر داشتند پاپ خوندم و به این ترتیب شد آخر سال ۱۳۴۶. خود آقای منوچهری بگگری گفت: "رشید جان شما یک صدای اپرایی داری و گفتند که یک آقای از آلمان به نام عنایت رضایی آمده که خواننده اپرا استخدام میکنه برای اپرای تهران در تالار رودکی، بیا بریم و امتحان بده و من هم پذیرفتم فقط گفتم منوچهر من هیچی بلد نیستم ولی ایشان گفتند شما بیا بریم، صد در صد قبولی.

تحصیلات آکادمیک خود را کجا گذراندید؟

"منو برد پیش آقای **عنایت رضایی** مدیر کل اپرای تهران خودش هم کارگردان اپرا بود هم خودشم خواننده باریتون بود.

* توضیح در مورد رنج صداها (تنور هست که خودم تنور هستم، باریتون صدای وسط و باس هم هست صدای پایین باریتون این در صدای آقایان هست)

در صدای خانمها سوپرانو داریم که رنج صدا مثل تنور هستش، متسو سوپرانو داریم که رنج صدا مثل باریتون هستش و آلتو داریم که مثل صدای باس هستش).



من در اونجا آقای عنایت رضایی که در اتاقش پیانو هم بود گفت سلفژ بلدی؟ نت خوانی بلدی؟ من هم گفتم خیر نمیدونم و ایشانم هم گفتند که من هر نتی که میزنم شما فقط صدا رو دربیار(خودش با تمرین نشان میداد)، و در آخر گفت گوش خوبی داری و قبول میشی و در اپرای تهران قبولم کرد، برای من ۳ تا کلاس گذاشت کلاس اول رو که گذاشت گفت که باید صداسازی کار کنی.

۲ تا از خوانندگان معروف ایتالیا بودند به نام جوزپه تاده ای و میکل کازاتو پیش این عزیزان صداسازی کار کردم، چون خود تالار رودکی (آقای رضایی) این کلاس ها رو برای من گذاشته بود، از کلاس صداسازی به کلاس سلفژ (آقای اسکندری و زابلی)، آقای سیلویو که اهل ایتالیا بود و ایشان گفت که باید زبان ایتالیایی یاد بگیری و آقای رضایی هم گفتند چون اپراها همه به زبان ایتالیایی هستند باید بلد باشی و از سال ۴۸ به مدت ۲ سال این کلاس ها رو گذراندم و از سال ۴۸ آقای رضایی منو برد روی صحنه.

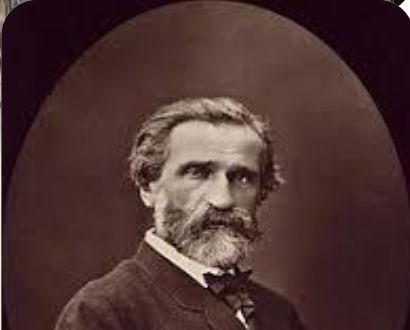


در چند اجرا نقش آفرینی کردید؟
و اولین اپرای که اجرا کردم نقش افسری بود در اپرای
آرایشگر سویل اثر روسینی.

بعد از اون اپرای **ریگولتو (Rigoletto)** رو خوندم نقش
بورسا رو که آهنگساز **جوزپه وردی** بود. یک ارکستر ۶۰-
۷۰ نفره بود که رهبر ارکستر هم آقای **مانریکو دتورا** بود.
سومین اپرا **نابوکو** بود آهنگساز **جوزپه وردی** بود نقش
آبدالو رو داشتم

چهارمین اپرا لاترابیاتا رو خوندم نقش **گاستون**
بعد اپرای لوچیا دی لامرمورا آهنگساز دونیزتی نقش
آرتورو

سپس در یک اپرای آلمانی به نام هنزل و گرتل که برای بچه
بود که مدیر کل اپرا آقای رضایی و آقای محمود
خوشنام این اپرا رو ترجمه کرده بودن به فارسی که نقش
جادوگر رو به من دادند که خیلی هم سخت بود.





اولین نقشی که در بین این ۳۵-۳۶ تا اپرا خوندم یعنی هنزل و گرتل بود که نقش جادوگر رو داشتم (با تاکید)

کدام نقش را بیشتر دوست داشتید؟

همین نقش جادوگر (ویچ) و بعد از این اپرای اتللو نقش کاسیو رو خوندم که این رابطه اتللو-دزدمونا رو که کاسیو (من خوندم) با دیاگو که در آن اپرا باریتون بود که نقشه میکشیم که بیا روابط بین این دونفر رو به هم بزیم.

بعد از اون زیاد اپرا خوندم مثلاً واگنر-هلندی سرگردان (نقش ملوان)

فیدلیو (بتهوون) و ...

بعد از انقلاب اپرا و باله رو منحل کردن چرا که ما هم اپرا هم باله و هم ارکستر سمفونیک (ملی) داشتیم.

چه چالش هایی در موسیقی وجود داشت که با آن مواجه شدید؟

خیلی بود. مثلاً وقتی بعد از انقلاب اپرا رو منحل کردن من حالم خیلی بعد شد، مریض شدم، گریه کردم چون واقعا عاشق اپرا بودم و البته هستم. الانم

که در خدمت شما هستم، هستم



من سالها حالم بد بود. بعد از انقلاب هم حکم منو زدن که شما مارش رو خوب میتونید بخونید و به این ترتیب حکم منو زدن سولیست ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر ملی تهران (فرهاد فخرالدینی) که با توجه به این من یک تعدادی مارش اجرا کردم که آخریش هم سرود رزشکاران بود ساخته آقای نادر مرتضی پور ۲۲ سال پیش بود که زمانی که تیم ملی رفت استرالیا و برنده شد که گاهی پخش میکردند.

کدام آهنگسازان اپرا را بیشتر میپسندید؟ چرا؟

چوزپه وردی چون اپراهای زیادی نوشت و پر از ملودی بود و سپس دونیزتی اونم ایتالیایی بود و ملودی های زیبایی داشت بعد روسینی اونم زیبا بود. بیزه که کارمن رو نوشته (فرانسوی بود) ولی زیباترین ملودی ها که در اپرا نوشته شده بود اثر چوزپه وردی بود.

به نظر شما یک خواننده اپرا چه ویژگی هایی باید داشته باشه؟

بینید خیلی ها نمیدونن معنی اپرا چیه یعنی خیلی وقتها فکر میکنن طرف میخونه داد میزنه ولی اینطور نیست اپرا یک موزیک کاملی هستش یعنی شامل (لباس-گرم-بازی-ارکستر حدود ۶۰-۷۰) نفر که موقع



اجرا یه چشم باید به رهبر و یکی به بازی خودت چونکه ممکنه در یک اپرا که چندین خواننده داره باید حواست به رهبر باشه چون اگر یک چنگ جابه جا بشه همه چیز بهم میخوره حتی با وجود رهبر. به همین دلیل اپرا یک موزیک کاملی هست چون هم رچیتاتیو داره (دیالوگ) - بازی - گریم - لباس - دکور - باله در کل کامل هستش.

با توجه به تبحر و تجربه شما ارزیابی تان از موسیقی ایران به ویژه موسیقی آوازی امروز ما چیست؟ آیا شرایط موسیقی تغییر کرده و بهتر شده است؟

من که خودم از ۲۰ سالگی اپرا میخونم و تخصصم اپرا هست و آذربایجانی هستم و بسیا هم آذربایجانی هم خوندم کنسرت دادم در تبریز و تهران با آقای **فرهاد فخرالدینی**، در مجموع موسیقی ما در ایران قوی نیست و ضعیفه. شما برو آذربایجان باکو ببینید در آنجا هر موسیقی بگید دارند (اپرا - باله - سمفونیک - ارکستر ملی - ارکستر محلی فولکلور) در شهرستان ها در خود شهر باکو، در واقع پر از موزیسین هستش و البته قوی - نوازنده - تار - کمانچه - ناقاره - سازهای ضربی - خواننده ولی موسیقی ما کلا ایران ۲ تا ارکستر داریم .



ارکستر سمفونیک تهران و یک ارکستر ملی ایران دیگه ارکستر نداریم که هیچ کدوم رهبر دائم نداره و همیشه یک رهبر میهمان میاد که حدود ۱ الی ۲ سال و یا حتی ۶ ماه میاد بعدش میره و یکی دیگه.

نقش رسانه ملی در پرورش ذائقه موسیقایی افراد را چگونه میبینید؟

نمیدونم چطور بگم. جوونا خب الان خیلی علاقمندم که موسیقی یاد بگیرند

چه دختر و چه پسر بیشتر شده تا قبل انقلاب

رهبران ارکستر و رهبران گروه کری که با آنها همکاری داشتید چه کسانی بودند؟

یک رهبری بود قبل از انقلاب که رهبر کر اپرا بود **گورگن موسسیان** ارمنی بودن حدود ۱۰ هم بعد از انقلاب بودن که رهبر گروه کر تالار رودکی بودن که رفتن آمریکا یکی از دوستان صمیمی من هم بودن که عمرشون رو دادن به شما.

بعد از آقای موسسیان ، آقای **رازمیک اوهانیان** تشریف آوردند که ایشان هم از دوستان صمیمی آقای موسسیان بود که در باشگاه آرات گروه کر داشت. آقای اوهانیان رهبر گروه کر تالار رودکی شد و



همچنین دوست صمیم آقای لوریس چکناوریان هم هست.

از همکاری مشترکی که با خواننده های بزرگی مثل خودتون داشتید بگید؟

از سولیست های اپرا قبل از انقلاب ما ۲۵ نفر بودیم که عکسش رو روی دیوار آموزشگاه موجود هست. الان تنها کسی که از اپرای تهران مونده من هستم و خانم آریا زند که ایشان هم در آموزشگاه ما آواز کلاسیک تدریس میکنند البته خودم هم تدریس میکنم.

در چه شهرها و کشورهایی اجرا داشتید؟

در آذربایجان باکو با آقای علی سلیمی که خودشم آهنگساز و نوازنده تار بودند و ترکیه و یکی هم بانکوک که آوازهای محلی و فولکلور اجرا کردیم.

خودتان هم به جز بحث آوازی در زمینه های تئاتر و بازیگری هم آموزش دیدی؟

تئاتر نه، ولی بازیگر اپرا هستم

آموزشگاه موسیقی رو که اسم ثمین پسر من رو گذاشتم، زمانی که من از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بازنشسته شدم چون سال ۶۷ هم درجه یک هنری دادن این بود که اعلام کردند کسانی که درجه ۱ هنری دارند میتونند آموزشگاه تاسیس کنند من هم این کار رو کردم و اسم ثمین رو انتخاب کردم و الان حدود ۲۵ سال هست که این آموزشگاه با ۱۵ استاد فعالیت میکند.

آیا در زمینه فیلم یا سینما همکاری داشتید؟ (بخش آوازی)

در فیلم بانوی زیبای من (قبل انقلاب) چون دوبله کرده بودند یکی از این خواننده ها آقای بود رکس هاریسون آنجا به زبان فارسی خودندم یکی هم اشک ها و لبخندها

آیا قطعه ای برای شخص شما در سال های اخیر تنظیم شده؟

بله خیلی از آهنگسازان برای صدای من مارش ساختن و اجرا کردم هم در تالار رودکی هم در صدا و سیما. (منوچهر بگری، تیمسار علی نعمتی، تیمسار عظیم قادری سرودهایی ساختند که اجرا کردم) به کاری هم از آقای زعیمی نیکو اشعار فردوسی.



در صحبتاتون اشاره کردید که تدریس میکنید با چه تکنیکی و چه سبکی با بچه ها کار میکنید؟

من چون معلم آوازم ایتالیایی بودم (جوزپه تادئی و میکل کازاتو) با هم. ن سبک آنها با بچه ها کار میکنم. اول صدا سازی و سپس سولفژ در مورد سالهای فعالیت خودتون بگید در زمینه های مختلف مثل اجرا، تدریس؟

در زمینه آواز ۳ نفر هستند که با من کار کردند و الان خواننده حرفه ای هستند یکی یاشار احمد (تنور) و محمدرضا قره تپه (تنور) و محسن آرام بن (تنور) در واقع هنرجویان بنده بودند. یکی هم که در کشور هلند هست که اسمش در خاطر من نیست یکی دیگه هم که به استرالیا مهاجرت کرد و دکتر دامپزشک هستش هنرجوی دیگرم به نام آرش غفاری که در آلمان هست.

چند سال هست که شما مشغول تدریس هستید؟

در آموزشگاه خودم حدود ۲۰ سال

چه ناگفته هایی برای پایان وجود دارد که شما دوست دارید به خواننده های اپرای نسل جوان بگید؟

من بخوام به جوونا بگم اگر اپرا دوست دارید حتما ادامه بدید چون هر کسی اپرا دوست نداره و بیشتر سبک پاپ رو میپسندند



ممنون از مجله آنی برای دعوت با آرزوی سلامتی شما

61

ممنون از شما برای حضور گرم شما در مجله با آرزوی سلامتی و شادکامی برای شما استاد گرانقدر.



مجله آنی

برای ارسال آثار خود و همچنین داشتن مصاحبه
با مجله آنی با شماره واتساپ و تلگرام زیر
تماس حاصل فرمایید:



۰۹۲۲۳۷۸۹۱۸۰



[t.me/ani letters](https://t.me/ani_letters)
www.ani_letters.com
[@anita_arzoomanian](https://www.instagram.com/anita_arzoomanian)

